



سازمان فراہمی
دانشگاہی کتب و
مطبوعات



مَدِظَلَا

سطر سطر زندگی با آیہ ہا

مسابقہ شماره ۲۳ / چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۳

سُطْر بَیْسْتِ وَ سُوْم

هَم جِبْهَه بَا شَیْطَان

جَزْء ۲۳

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَیْءَ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّیْطَانَ
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ ﴿۶۱﴾ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیْمٌ ﴿۶۲﴾

یس، آیه ۶۱-۶۰

- شیطانِ مخصوصِ خودت را می‌شناسی؟
- حواست به دشمنی‌اش با خودت هست؟



اِنَّا صَحَبَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شَعْلِ فَكُهُونٍ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَاَزْوَاجُهُمْ فِي
 ظِلِّ عَلَى الْاَرَائِكِ مَثْكُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ
 ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَاَمَّا زُوا الْيَوْمِ اِيَّهَا الْمَجْرُمُونَ
 ﴿٥٩﴾ اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَبْنَىٰٓءَ اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطٰنَ اِنَّهُ
 لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَاَنْ اَعْبُدُوْنِيْ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿٦١﴾
 وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيْرًا اَفَلَمْ تَكُوْنُوْا تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٢﴾ هٰذِهِ
 جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُوْنَ ﴿٦٣﴾ اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ
 ﴿٦٤﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰٓ اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا اَيْدِيَهُمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ
 بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلٰىٓ اَعْيُنِهِمْ
 فَاسْتَبَقُوْا الصِّرَاطَ فَاَنْتٰى يَبْصُرُوْنَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ
 عَلٰىٓ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوْا مِضْيَا وَلَا يَرْجِعُوْنَ
 ﴿٦٧﴾ وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى الْخَلْقِ اَفَلَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٦٨﴾
 وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِيْ لَهُ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُّبِيْنٌ
 ﴿٦٩﴾ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحَقِّقَ الْقَوْلَ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧٠﴾



مغفلة كريمة



قرآنت تحقیق



﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ بَيْنِي وَآدَمَ﴾ مگر ای فرزندان آدم، با شما عهد نبستم که ﴿أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ شیطان را نپرستید؟! ﴿إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ زیرا او به وضوح دشمن شماست. [انسان عاقل که دشمن خود را نمی‌پرستد؛ چون به ضرر خود اوست. البته پرستش آشکار شیطان در بشر چندان دیده نمی‌شود؛ پس خداوند پیروی، تبعیت و اطاعت از شیطان را پرستش او دانسته است و می‌فرماید:] ﴿وَأَنْ أَعْبُدُونِي﴾ و [مگر عهد نبستم که به جای شیطان و دیگران،] فقط بنده من باشید [و فقط مرا اطاعت کنید؟!] ﴿هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ این بندگی من، همان شاهراه اصلی و نزدیک‌ترین مسیر به هدایت است. [آنچه تهدید اصلی برای انسان به شمار می‌رود، این است که بنده شیطان شود. یعنی شیطان از گلوگاهی وارد می‌شود تا معبود و رهبر فرد و جامعه شود و در عرض خدا، مردم را به عبادت و اطاعت خود فراخواند!]



ببینیم

بشنویم

بیاموزیم



ارباب وقتی به غلام خود بیلی می‌دهد، هیچ هم نگوید، تمام گفتنی‌ها را گفته که نشین! راه بیفت! بیکار نباش! کاری کن! تو گویی عهدی میان آن‌ها گذشته باشد و اگر گذشت و کاری نکرد، می‌تواند مؤاخذه کند. و غلام هم نمی‌تواند بگوید که چیزی به من نگفته‌ای. چرا که ارباب خواهد گفت: پس بیل چه بود؟ و برای چه؟ بیل را در کف تو نهادم که چه شود؟ چرا دادم؟ چرا گرفتی؟

خداوند هم در سر آدمی عقلی نهاد که اگر به کار بسته شود، آدمی جز پرستش و حرف شنوی از او را سزاوار نمی‌داند؛ یعنی گوش و هوشش تنها بدهکار حق می‌شود، نه شیطان که دشمنی آشکار است، اگر چه دشمنی‌هایش هیچ آشکارا نیست. گاه راه می‌نماید اما چاه است و گاه چاه، اما راه است.

می‌خواهی دست به جیب شوی، می‌گویی: هزاران مثل او هستند، مگر همین یکی است؟! و به این وسیله کمک را در نگاه تو کوچک، و تو را از انجام آن مأیوس می‌کند. و اگر گوشت بدهکار نشد و کردی، می‌گویی در این روزگار که قحط رحم و ترحم است، دست به جیب شدی! مرحبا! آفرین! کاری کردی کارستان! و بدین وسیله آن را بزرگ و با بزرگ کردن آن، تو را مغرور، و با همان غرور به زمینت می‌زند.

ببین، دشمنی کرد ولی آشکارا نبود!





شیطان عبارت از جناب ابلیس نیست یا یک چیز پنهان و مخفی که به چشم نمی‌آید، به دست لمس نمی‌شود، در همه‌جای زندگی آدم هم ممکن است پیدا باشد. فقط این نیست. شیطان یک چیز وسیعی است، یک مفهوم عامی است. شیطان یعنی نیروهای شرانگیز و شرآفرین خارج از وجود انسان. نیروهای شرآفرین، اما خارج از محدوده وجود خود آدم، این می‌شود شیطان.

همچنانی که نفس را که قرین شیطان است، نوکر شیطان است، آلت دست و آلت فعل شیطان است اگر بخواهیم تعریف کنیم، می‌توانیم این جور تعریف کنیم: نیروهای شرانگیز و شرآفرین درونی انسان. نفس و شیطان، نفس اماره، شیطان. این از داخل، آن از خارج. این دوتا نیروهای فسادآفرینند، نیروهای شرآفرینند، نیروهای انحراف و انحطاط‌آفرینند.^۱

اگر چنانچه گردنت را بردی طرف شیطان و طاغوت، که ریسمان ولایتش را بر گردن تو بیندازد، دیگر از دست او خلاصی پیدا نخواهی کرد. هرچه در وجود تو، از نیرو و از ابتکار و از فعالیت‌های سازنده و از جلوه‌های درخشنده وجود دارد، تحت قبضه طاغوت و شیطان درخواهد آمد. وقتی که تو تمام وجودت در قبضه او درآمد، آن وقت او به آسانی می‌تواند تو را در همان راهی که خودش می‌خواهد، به

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۱۰، ص ۲۷۷.



همان جایی که خودش می‌خواهد، با همان وسیله‌ای که خودش می‌خواهد، بکشانند و ببرند، و پیداست که شیطان و طاغوت انسان را به نور و معرفت و آسایش و رفاه و معنویت رهنمون نمی‌شود. او برایش این چیزها هدف نیست. برای شیطان و طاغوت، مصالح شخصی خودش هدف اولی است و می‌خواهد آن‌ها را تأمین کند؛ پس تو را در راه مصالح شخصی خود به کار می‌اندازد.^۱

اگر تن به ولایت طاغوت دادی، تمام نیروها و انرژی‌ها و ابتکارها و استعدادهای تو در قبضه طاغوت واقع می‌شود.^۲



با صدای استاد سید علی خامنه‌ای بشنوید.



۱. همان، جلسه ۲۷، ص ۷۶۹.

۲. همان، جلسه ۲۷، ص ۷۷۰.